

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)

سید علاءالدین شاهرخی^۱

چکیده

نهادهای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران با محوریت نهاد دین و با زعامت روحانیت و حوزه‌های علمیه بوده است؛ شواهد تاریخی در این دوران بیانگر کنش‌های متعدد اجتماعی عالمان شیعی و نفوذ فوق‌العاده آنان در میان توده‌های مردم است. فقدان بسترهای لازم برای دستیابی به امنیت و حقوق اجتماعی و رشد نسبی آگاهی مردم موجب گردید تا در دوران موردنظر بارها، مکان‌های مقدس مذهبی را با رهبری علما به‌عنوان مراکز دادخواهی مورد استفاده قرار دهند؛ در این راستا تحصن در مسجد گوهرشاد در تیرماه ۱۳۱۴ با درخواست و پشتیبانی مردم و نفوذ اجتماعی علمای خراسان که نخبگان عصر خود بودند از برجستگی خاصی برخوردار است. این تحقیق با استفاده از روش پژوهش تاریخی و به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفت و تلاش نمود واقعه مسجد گوهرشاد را از منظر نفوذ و قدرت اجتماعی علما بررسی نماید. یافته‌های پژوهش حاضر گویای این است که با اجرای برنامه‌های شبه مدرنیستی پهلوی اول، نه تنها برخی باورها و رسوم مذهبی مورد تهدید و تغییر قرار گرفتند بلکه بسیاری از وظایف اجتماعی روحانیون و معیشت اقشاری از بازاریان کاهش یافت، بنابراین آن‌ها با مراجعه مکرر به علما خواهان اقدام آنان شدند. با توجه به نظریه پیشگامی نخبگان پاره تو، علمای خراسان به‌عنوان نخبگان جامعه ایران معاصر با هدایت توده‌های مردم در مسجد گوهرشاد به فعالیت پرداختند. اتکای مردم به علما، رهبران فکری خود برای گفت و گو با حاکمیت بود؛ اما نتیجه این اعتراض فرهنگی، اقدامی به دور از گفتمان تفکر محور، قتل عام تعدادی از مردم و تبعید تعدادی از علمای خراسان و بازاریان بود.

واژه‌های کلیدی: حرم امام رضا (ع)، مسجد گوهرشاد، علمای خراسان، نفوذ اجتماعی، دادخواهی.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

**The role of social influence of Khorasan scholars
in Goharshad mosque incident
(Relying on the theory of Pareto elites)**

Seyyed Alauddin Shahrokhi¹

Abstract

Social institutions in the contemporary history of Iran have been centered on the institution of religion and led by the clergy and seminaries; Historical evidences in this era show the numerous social actions of Shia scholars and their extraordinary influence among the masses of people. The lack of necessary platforms to achieve security and social rights and the relative growth of people's awareness caused them to use religious holy places as centers of litigation many times during the period in question; In this regard, the sit-in in Goharshad Mosque in July 1935 with the request and support of the people and the social influence of Khorasan scholars, who were the elites of their era, has a special significance.

This research was conducted using the historical research method and in a descriptive-analytical way and tried to investigate the event of Goharshad Mosque from the perspective of influence and social power of scholars. The findings of the present research show that with the implementation of the pseudo-modernist programs of the first Pahlavi, not only some religious beliefs and rituals were threatened and changed, but also many of the social duties of the clergy and the livelihood of certain classes of the bazaars were reduced, so they repeatedly referred to the clergies. According to the pioneering theory of Pareto's elites, the scholars of Khorasan as the elites of the contemporary Iranian society, led the masses of people in the Goharshad Mosque. The people relied on the scholars, their intellectual leaders to talk to the government; But the result of this cultural protest was an action far from the thought-oriented discourse, the massacre of a number of people and the exile of a number of Khorasan and Bazarian scholars.

Keywords: Shrine of Imam Reza, Goharshad Mosque, Ulama of Khorasan, social influence, litigation.

1. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran. shahrokhi.a@lu.ac.ir

Received date: 1401/09/13 Accepted date: 1401/10/11 Article type: research

مقدمه

نیازهای بشر تنها شامل محورهای فکری و اعتقادی نیست بلکه انسان به موارد ضروری دیگری همچون نیازهای طبیعی از قبیل غذا، لباس و مسکن و نیازهای اجتماعی از قبیل فعالیت در جامعه، گروه‌های صنفی و موارد دیگر نیاز مبرم دارد و اخلال در هر یک موجب خشم و نارضایتی مردم خواهد شد. نیازهای اجتماعی ممکن است گاهی تحت‌الشعاع سایر نیازها قرار گیرند اما در بسیاری از اعتراضات و جنبش‌های مردمی تأثیر بسیاری داشته‌اند؛ زمینه اجتماعی، مکان جنبش‌هاست؛ ترکیبی از قابلیت‌های افراد و منابع اجتماعی، ایجاد جنبش را ممکن می‌سازد؛ شرایط اجتماعی، محیط جنبش‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد (زاهدانی، ۱۳۸۹: ۸۱). از این حیث جنبش، حرکت گروهی متشکل از اعضاء سازمان‌یافته است که به منظور دفاع از عقاید و ارزش‌های خود سعی در گسترش خود و حتی به دست آوردن قدرت دارد. امکان اعتراض جمعی معمولاً وقتی فراهم می‌شود که یا ساختارهای دولت اجازه فعالیت به جنبش‌ها بدهد، یا دولت ضعیف باشد و قادر به کنترل فعالیت جنبش‌ها نباشد و یا نیروی ناشی از بسیج مردمی جنبش چنان قوی باشد که دولت نتواند آن را کنترل کند (کیت، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

ایدئولوژی، عنصر مهم و تأثیرگذار دیگری در جنبش‌ها است که جهت حرکت جنبش را نشان می‌دهد و عامل ربطی جنبش‌ها است؛ از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران جنبش اجتماعی، ایدئولوژی بسیار اهمیت دارد، از نظر ویلسون: «ایدئولوژی یک نام مشترک است که به آن عقایدی داده می‌شود که مردم را برای عمل در یک جنبش اجتماعی بسیج می‌کند» (Wilson, 1973: 91). از دیدگاه تاک: «ایدئولوژی، مجموعه‌ای از عقاید به هم مرتبط است که توسط گروهی از اشخاص به کار گرفته می‌شود و به‌عنوان یک سکوی پرتاب برای جنبش اجتماعی عمل می‌کند» (Toch, 1966: 21)؛ لذا اعتقادات در موارد بسیاری اهرمی برای شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی بوده است. پاره‌تو از پیشگامان نظریه‌پردازی درباره نقش نخبگان در دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی است؛ از دیدگاه او «نخبگان به کسانی اطلاق می‌گردد که با توجه به نقشی که در جامعه برعهده دارند کاری انجام می‌دهند و استعدادهای طبیعی دارند، موقعیت‌های برتری را نسبت به متوسط افراد جامعه دارند و در واقع نخبگان را می‌توان از اعضای ممتاز جامعه دانست» (روشه، ۱۳۸۰: ۱۱۶). دیدگاه پاره‌تو این است که انسان‌ها، از ابعاد مختلف، باهم برابر نیستند و برخی افراد در جامعه از بقیه با استعدادترند؛ شایسته‌ترین افراد یک گروه،

نخبگان آن گروه را می‌سازند (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۲۳). براساس نظریه نخبه‌گرایی این افراد برجسته جامعه نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند، در ایران در دو قرن اخیر عالمان و روحانیون برجسته این نقش را عمدتاً بر عهده داشته‌اند؛ آنها تأثیرگذارترین گروه اجتماعی در تاریخ ایران معاصر بوده‌اند.

میان جنبش‌های مردمی، علمای مبارز و مکان‌های مقدس در تاریخ ایران معاصر رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد؛ مکان‌های مقدس محل عبادت و برخی فعالیت‌های روحانیون بودند ولی گاه برای پناه گرفتن و در امان ماندن از آسیب نیز مورد توجه مردم واقع می‌شدند که دلیل آن احساس ناامنی ذهنی و روانی ایرانیان به سبب عدم شکل‌گیری نهادهای مدنی، فقدان امنیت و به-کارگیری نامحدود خشونت از جانب حاکمان و صاحبان قدرت بوده است؛ قانون در این جامعه رأی و خواسته حکومت خودکامه بود که هیچ حقی برای رعایا به رسمیت نمی‌شناخت، فلسفه سیاسی (سایه خداوندی) که از دوران حکومت صفویان در ایران شکل گرفته بود در واقع تداوم و تغییر شکل امروزی شده نظریه باستانی برخورداری شاهان از فره ایزدی بود (آجدانی، ۱۳۸۶: ۹).

ماجرای تحصن در مسجد گوهرشاد یکی از مهم‌ترین وقایع سده اخیر ایران است که بر محور یک جنبش اجتماعی- فرهنگی با نفوذ و هدایت علمای مشهد و حمایت مردم در مکان مقدسی در جوار حرم رضوی تشکیل گردید، انگیزه اولیه و آغازین شکل‌گیری این واقعه برگرفته از نوع نگرش خاص حکومت پهلوی اول بود که با انجام برنامه نوگرایی و تجدید علاوه بر تغییر گفتمان فضای فرهنگی کشور در ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز چالش‌های بسیاری ایجاد نمود؛ این اقدامات موجب گردید که حیات اجتماعی اقشار مختلف به‌ویژه روحانیون و بازاریان دست-خوش مسائل ناخوشایندی گردد. در خصوص واقعه مسجد گوهرشاد مطالعاتی انجام پذیرفته است که بیشتر حول موضوعات سیاسی- فرهنگی و قضیه کشف حجاب است، اما ابعاد اجتماعی آن نیز لازم است مورد بحث دقیق‌تر قرار گیرد.

مطالعه حیات اجتماعی مردم به سبب تمرکز بر موضوعات سیاسی، امری ضروری است؛ به نظر فور: «هرگز نباید تنها به مطالعه فرد پرداخت، بلکه باید جوامع بشری و گروه‌های انسانی را بررسی کرد» (به نقل از سارامان، ۱۳۷۵: ۳ / ۱۷۴)، تاریخ اجتماعی را غالباً تاریخ توده مردم، یعنی تاریخ مردم عادی و معمولی، می‌خوانند (Stearns, 1993: 685). کار نیز می‌گوید:

«مورخ نیز فردی از افراد جامعه است و نوشته او آینه اجتماعی است که در آن به سر می‌برد»
(کار، ۱۳۵۱: ۲۱۸).

پیشینه پژوهش

ماجرای تحصن در مسجد گوهرشاد در برخی پژوهش‌ها با محوریت ابعاد سیاسی مورد مطالعه قرار گرفته است، که در ذیل به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند. شهرام یوسفی‌فر، محمدحسین فروغی و شایسته قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «حرمت حرم و نقش آن در خیزش-های مردمی تاریخ معاصر ایران» موضوع حرمت حرم تا اوایل حکومت پهلوی اول را مورد بررسی قرار داده‌اند، گرچه این مقاله حاوی مطالب ارزشمندی است ولی محدوده بحث آن شامل واقعه گوهرشاد نیست. سیما راثین در پژوهشی با عنوان «واقعه گوهرشاد به روایت دیگر»، برخی از ابعاد مختلف این واقعه را بررسی نموده و بر بیان روند وقایع تمرکز نموده است. سینا واحد در کتابی با عنوان «قیام گوهرشاد» شرح ماجرای قیام گوهرشاد و اتفاقات مربوط به آن را با محوریت روایت سیاسی مورد توجه قرار داده است. محمدتقی بهلول در کتاب «خاطرات سیاسی بهلول یا فاجعه مسجد گوهرشاد»، در این پژوهش نقش شیخ بهلول که با واقعه مسجد گوهرشاد آمیخته شده است در روند شکل‌گیری و اتفاقات مورد توجه قرار گرفته است. علی کریمیان در پژوهش «پیامدهای واقعه گوهرشاد در اسناد نویافته»، نتایج و پیامدهای این واقعه را با محوریت اسناد، مورد مطالعه قرار داده است. محمدرضا قصابیان، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ در مقاله «تاریخچه بست و بست‌نشینی در مشهد»، به اختصار واقعه گوهرشاد را از نگاه بست‌نشینی روایت کرده است. پژوهش‌های فوق در کنار پردازش جریان این واقعه، محوریت تمرکز خود را بر بیان روند حوادث و اتفاقات سیاسی قرار داده‌اند؛ حال آنکه بخش مهمی از این ماجرا به سبب انگیزه‌های اجتماعی بود، لذا پژوهش حاضر تلاش دارد با برطرف کردن این نقیصه، این موضوع را با تمرکز بر محورهای اجتماعی دادخواهی موردبررسی قرار دهد. سؤال پژوهش حاضر این است که نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان و به‌ویژه مشهد در تحصن و حضور اقشاری از مردم معترض مشهد در ماجرای مسجد گوهرشاد با وجود تضعیف نهادهای مذهبی چه بود؟ رویکرد این پژوهش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای است.

چالش امنیت اجتماعی و نقش مکان‌های مقدس اسلامی آن

پناه‌بردن مردم به مکان‌های مقدس معمولاً ارتباطی تنگاتنگ با مقوله امنیت و همچنین معضل عدم امکان دسترسی به حقوق در جوامع استبدادی داشته است؛ امنیت در رویکرد سنتی به مفهوم عدم امکان تعرض و خطر است؛ بر این اساس آنچه موجب جلوگیری یا کنترل خطرات و تهدیدات قدرت می‌باشد، امنیت محسوب می‌شود (لیک و ای مورگان، ۱۳۸۱: ۴۰). در طول تاریخ ایران به‌استثتای دوران معاصر که از طریق برخی نهادها، امنیت و حقوق اجتماعی عامه مردم تا حدودی قابل دستیابی است، راه‌حل مؤثر در این خصوص اراده دستگاه هیئت حاکمه و شخص شاه بوده است از این‌رو بر صفت عدالت حاکم در برخی متن‌ها تأکید بسیار شده است.^(۱) عدم التزام بسیاری از شاهان و حاکمان به عدالت موجب می‌شد تا مردم بی‌پناه در کورسوی تلاش برای بقا و یا خواسته‌های دیگر به برخی مکان‌های مقدس پناهنده شوند.

چرایی تداوم رسم بست‌نشینی در تاریخ ایران

پناه بردن به مکان‌های مذهبی در ایران را در اصطلاح بست‌نشینی نامیده‌اند. بست (به فتح با) در لغت به معنای جایی است که کسی از ترس به آنجا پناه ببرد که نتواند او را دستگیر کنند؛ مانند اماکن مقدسه و خانه‌های بزرگان (عمید، ۱۳۷۷: ۳۵۳/۱). به‌نظر می‌رسد این رسم در ایران قبل از اسلام هم وجود داشته است، چنان‌که نقل شده خسرو انوشیروان، پادشاه ساسانی زنجیر جرسی را به قصر خود متصل نمود تا هر کسی که ظلمی بر او وارد آمده باشد، زنجیر را بکشد و توجه شاه را به خود معطوف کند (کریستن سن، ۱۳۷۰: ۴۹۹). ظاهراً آتشکده‌ها و معابد نیز در گذشته نوعی بست به شمار می‌آمده‌اند (پروکوپیوس، ۱۳۳۸: ۱۱۴). آنچه موجب تقویت حرمت مکان‌های مذهبی در میان مسلمانان از جمله ایرانیان شد، توصیه آن در قرآن مجید در مورد مسجد-الحرام (۲) بود: «و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم» (قرآن مجید، بقره، ۱۲۵). البته این موضوع در اسلام نیز سوابقی دارد، از جمله اعلام برخی مکان‌ها همچون مسجدالحرام به‌عنوان محل امن توسط پیامبر اکرم (ص) در هنگام فتح مکه (الذهبی، ۱۹۹۳، م، ۵۳۱/۲)، پناه بردن امام سجاد (ع) به حرم پیامبر (ص) در واقعه حرّه (مسعودی، ۱۴۰۹، ق، ۷۰/۳) و موارد بسیار دیگر. در ایران در طول قرون گذشته بارها پناه‌بردن به مکان‌های مقدس انجام گردید، در دوران قاجار همچنین به برخی

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)..... ۱۴۷

سفارت‌خانه‌ها نیز پناه می‌بردند، تلاش برای حفظ جان از گزند شاه یا نزدیکانش (اقبال، ۱۳۸۵: ۲۴۷)، خودکامگی حاکمان و قدرت نامحدود آنان در تعدی به حقوق مردم، ضعف و ناکارآمدی قوه قضائیه و نهادهای دادگستری، فرار از مجازات قانونی^(۳) و موارد مشابه موجب می‌شد برخی مکان‌ها تنها پناهگاه در برابر ظلم در دولت‌های استبدادی باشند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۷/۱).

مکان‌های مقدس و دیگر محل‌های تحصن در ایران

مکان‌های تحصن و بست فراخور شرایط مکانی و زمانی متنوع بوده و محدود به مسجد و محل عبادت نبوده است، اما مزارها و حرم‌های مقدس از محل‌های برجسته مورد استفاده برای این منظور بوده‌اند، از جمله تیمور پادشاه گورکانی در ۸۰۶ ق مزار شیخ صفی را در اردبیل محل بست و تحصن شناخت (میرزا سمیع، ۱۳۶۸: ۱/ ۲۴۲؛ دلاواله، ۱۳۴۸: ۱/ ۳۶۹). از بالای در این آرامگاه زنجیرهای بزرگی آویزان بود و هر محکومی که دستش به این زنجیرها می‌رسید یا می‌توانست خود را به درون آرامگاه بیندازد، از آسیب در امان می‌ماند (فلسفی، ۱۳۵۲: ۱۰۱/۳). سایر مزارها از قبیل حرم شاهچراغ در شیراز، عبدالعظیم حسنی در شهرری و موارد دیگر در ایران، هر کدام شاهد موارد متعددی از حضور برخی از مردم بودند اما بدون تردید حرم حضرت معصومه (س) در قم و خصوصاً حرم امام رضا (ع) بیشتر مورد توجه بودند. گاه به‌رغم مخالفت برخی حکومت‌ها، آنان نتوانستند از بست‌نشینی جلوگیری نمایند، چنان‌که ناصرالدین شاه خطاب به آیت‌الله ملا علی کنی نوشت: شما که رئیس علما هستید حکم بدهید به رفع بست‌نشینی و آن را مهمل گذارید؛ وی به شاه این‌گونه پاسخ داد: «گمانم این است دولت باب عدالت را بازنماید، تا جمیع ابواب بسته شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۸۴-۱۹۰). اصطلاح بست‌نشینی امروزه مفهوم تاریخی مورد استفاده در گذشته را از دست داده است و به محل‌هایی خاص در حرم امام رضا (ع) اطلاق می‌گردد. بست‌های حرم امام رضا (ع)، عبارت بود از: بست بالامحله، بست پایین‌محله و بست طبرسی و بست قبله (سجادی، ۱۳۶۷: ۱/ ۳۴۸-۳۴۷).

پیشینه بست‌نشینی در مسجد گوهرشاد

مسجد گوهرشاد^(۴) در سال ۸۲۱ ق در ضلع جنوبی حرم مطهر علی بن موسی‌الرضا (ع) به همت گوهرشادآغا، همسر شاهرخ میرزا - پسر امیر تیمور گورکانی - توسط معمار معروف آن زمان، قوام‌الدین شیرازی بنا گردید (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ۲/ ۶۹۳). در مورد زمان آغاز بست‌نشینی در

حرم امام رضا (ع)، اطلاع دقیقی موجود نیست اما بدیهی است با توجه به روی کار آمدن حکومت شیعه‌مذهب صفویه و احترام و توجه فوق‌العاده آن خاندان به این مکان^(۵)، از آن زمان به بعد از حرمت بیشتری نسبت به سابق برخوردار گردید. در تاریخ معاصر ایران با افزایش کنش سیاسی روحانیون به‌ویژه از اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار به بعد، نقش آفرینی مساجد در ابعاد مختلف به نحو چشمگیری افزایش یافت؛ اما این فعالیت‌ها تنها در تعدادی از شهرهای بزرگ و مهم ایران و متمرکز در مسجد مهم آن شهر بود. این وظیفه در شهر مشهد برعهده مسجد گوهرشاد قرار داشت (تهرانی، ۱۳۸۵: ۷۲)، که از موقعیت ویژه هم‌جواری با حرم امام رضا (ع) برخوردار بود. علاوه بر موارد شخصی، مردم مشهد با انگیزه‌های سیاسی، اعتقادی و فرهنگی به صورت گروهی نیز چند بار تحصن کردند؛ از جمله گرد آمدن مردم مشهد در دوم ربیع‌الاول ۱۳۰۹ ق در مسجد گوهرشاد در اعتراض به امتیازنامه رژی (تلگرافات، ۱۳۸۶: ش ۸۴، ۳۲۹؛ آدمیت، ۲۵۳۵: ۶۱)؛ همچنین مجلس اول شورای ملی برای سامان‌دهی انجمن‌های صنفی و سیاسی موجود و تأسیس انجمن‌های جدید قانون‌هایی را تصویب کرد که در مشهد، مسجد گوهرشاد میزبان برگزاری انجمن‌های رسمی و غیررسمی بود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۳۲).

نفوذ اجتماعی علما و نقش آنان در گرد آمدن مردم و تحصن در مسجد گوهرشاد (با محوریت نظریه نخبگان پاره‌تو)

تحصن جمعی و گروهی مردم در واقعه مسجد گوهرشاد با هدایت و رهبری برخی از روحانیون سرشناس انجام پذیرفت، در واقع اثرگذاری عمیق تعدادی از روحانیون از ابعاد مختلف از جمله از نظر فکری و اجتماعی در بیشتر این وقایع از جمله در واقعه گوهرشاد به‌گونه‌ای است که ضرورت دارد در این خصوص مطالبی به‌اختصار مطرح شود.

- روند نفوذ روحانیت شیعه در حیات مردم ایران در دوران معاصر - فراهم‌شدن زمینه‌های اجتماعی حاکمیت فقها (نخبگان جامعه)

علما و روحانیون، گروه نخبه و تأثیرگذارترین گروه اجتماعی در تاریخ معاصر بوده‌اند و علل نفوذ آنان در جامعه متعدد بوده است. عملکرد تاریخی روحانیون در دو سطح فردی و اجتماعی موجب کسب نفوذ اجتماعی آنان شد، لباس روحانیون در جامعه، لباس پیامبر (ص) و آنان جانشین وی قلمداد می‌شدند؛ در حوزه فردی، سلوک زاهدانه و پرهیز از مادیات و در حوزه

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)..... ۱۴۹

اجتماعی، ایستادگی در برابر حاکمان زورگو، دوری از فساد، تجمل و حيله، دفاع از مردم و حقوق آنها و زندگی در کنار آنان، عوامل مؤثر در ایجاد نفوذ اجتماعی برای روحانیون بوده است (الگار، ۱۳۶۹: ۴۷-۱۸؛ لمبتون، ۱۳۷۲: ۳۳۹-۳۵۳).

قدرت و نفوذ علمای شیعه در ایران از دوره صفویه^(۶) به بعد در عرصه‌های مختلف افزایش یافت. مهم‌ترین علت نفوذ اجتماعی برخی علما نه عنایت خاص شاه و نه همراهی و همدلی روحانیون یا بزرگان، هیچ‌یک در رسیدن به این مقام مؤثر نبود، بلکه مجتهد بر مبنای طرز زندگی زاهدانه و دانش و بینش خود در طول زمان و به تدریج مورد توجه خاص همه مردم قرار گرفته و می‌توانست به این مقام بلند نائل شود (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۳۱/۱).

- بسترهای تقویت نفوذ حاکمیت اجتماعی نخبگان (علما) بر مردم

فعالیت‌های اجتماعی برخی از نخبگان جامعه ایرانی (علما) و گاه ایستادگی آنان در برابر هیئت حاکمه با حمایت گسترده مردم همراه بود. از اواسط دوران قاجاریه به تدریج نقش روحانیون به عنوان پناهگاه اصناف و طبقات اجتماعی در برابر دستگاه حاکم پررنگ‌تر شد (محیط طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۱۵) و آنها حتی توانستند به گونه‌ای سنتی جایگاه خود را در سلسله‌مراتب اجتماعی دوره قاجار در قالب یکی از گروه‌های اجتماعی مرجع، استوار کنند (عضدالدوله، ۱۳۶۲: ۱۲۸/۹). به تدریج با آشکار شدن روحیه خشن و استبدادی حکومت قاجار و علنی شدن مخالفت علما با حکام وقت، در بسیاری از موارد اختلاف بین علما و حکام، علما با قدرت اجتماعی خود، پیروز میدان بودند و حاکمان در مواردی به اجبار به دست‌بوسی آنان اقدام کرده، از آنان عذرخواهی می‌نمودند (نجفی، ۱۳۸۱: ۸۵). تلاش حاکمان قاجار در نزدیک شدن به روحانیون برجسته به منظور کسب مشروعیت دینی نیز آنها را در جایگاهی برتر نشانده و به بالا رفتن پایگاه اجتماعی آنان انجامید (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۴/۱). در جریان اعطای امتیازات توسط ناصرالدین شاه به برخی بیگانگان، دوران جدیدی از کشمکش و مبارزه بین این دو آغاز شد و حتی تعدادی از روحانیون در مجالس عمومی و بر منبرها، آشکارا از دولت و سلطنت و ولی‌عهد و صدارت بد می‌گفتند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۹۱۵).

در دوره قاجار با اینکه مناصب حکومتی علما مثل شیخ‌الاسلام، صدر، قاضی، امام جمعه و غیره همچون دوره صفویه وجود داشت؛ اما در کنار این مناصب رسمی حکومتی، مجتهدان بسیاری

بودند که عموماً منصب رسمی حکومتی نداشتند، ولی از قدرت و نفوذ اجتماعی زیادی برخوردار بودند؛ این موضوع این‌گونه گزارش شده است: «جامعه روحانیت، تحت نفوذ و هدایت شخصیت‌هایی قرار دارد که به هیچ‌وجه، رسمیت آن‌چنانی ندارند، ولی به علت شهرت در تقوا و پرهیزگاری و اعلیتشان مورد احترام بیش از اندازه دیگران هستند. این شخصیت‌های روحانی که از نظر افکار عمومی، مقدس شناخته می‌شوند و به آنها مجتهد می‌گویند، از قدرت نفوذ کم‌نظیری برخوردارند» (اورسل، ۱۳۵۳: ۲۷۳-۲۷۲).

اختیارات گسترده روحانیون در آستانه حکومت پهلوی اول

در دوره قاجار و تا پیش از برنامه‌های نوگرایی رضاشاه، هرچند برخی از روحانیون به سبب پرهیزگاری از پذیرش مسئولیت‌های رسمی خودداری می‌کردند اما امور دادگستری و قضا را در حیطه و حوزه مسئولیت خود می‌پنداشتند و در مسائل مختلف حقوقی؛ مانند ثبت اسناد و املاک، ازدواج و طلاق، اجرای حدود شرعی بر مجرمان، رسیدگی به دعاوی و رفع مراعات و اختلافات را رسیدگی می‌کردند و در این موارد، حکم صادر می‌کردند و رأی آنها مقبول مردم و حتی حکومت بود؛ به گونه‌ای که دولت، مجری احکام قضایی علما و مجتهدین بود. بر همین اساس، شیخ فضل‌الله می‌گوید: «منصب دولت و اجزای آن از عدلیه و نظمیه و سایر حکام، فقط اجرای احکام صادره از مجتهدین عدول می‌باشد» (رضوانی، ۱۳۶۲: ۶۹).

در برخورد علما با حکام و حتی شاهان وقت، در صورت ایجاد تعارضات به‌رغم وجود برخی بی‌مهری‌ها و برخوردهای دربار مانند احضار به تهران یا تبعید، باز هم علما با کمال بی‌اعتنایی با حکومت مقابله می‌نمودند و قدرت حاکم را زیر سؤال می‌بردند و حاکمیت هم توان غلبه بر آنها را نداشت (سپهر، ۱۳۶۸: ۴۷). تا چند سال پس از پهلوی اول هم ارتباط مردم با علما فراتر از امور عبادی و یا اقتدا به آنان در نماز بود، در این دوره، امور حقوقی هم با نظارت آنان انجام می‌شد و حل گرفتاری‌ها و مشکلات با استعلام و استفتاء از ایشان میسر بود (ملک‌زاده، ۱۳۷۳: ۳۵۹/۱)؛ این نفوذ فقیه در جامعه ایرانی برگرفته از اختیارات فقیه به‌عنوان نایب عام امام زمان (عج) و جلب اعتماد مردم بود.

برنامه‌های تجدد و نوگرایی پهلوی اول و مقدمات شکل‌گیری واقعه مسجد گوهرشاد

کودتای ۱۲۹۹ موجب گردید تا رضاخان بر امور کشور تسلط یابد و در عرض چند سال حکومت پهلوی جایگزین قاجار گردد. پهلوی اول در مراسم تاج‌گذاری خود اعلام نمود: «توجه مخصوص من معطوف حفظ اصول دیانت و تشییع مبانی آن بود و بعدها نیز خواهد بود» (امیرطهماسب، ۱۳۵۵: ۷۰۵). وی در سال‌های آغازین سلطنت خود بارها به اشکال گوناگون نسبت به دین اسلام اظهار وفاداری نمود از جمله اعلام کرد: «تمام مجاهدات و زحماتی که من از بدو امر در حصول مراتب امنیت و تهیه طرق سعادت و عظمت این مملکت متحمل شده بودم، همیشه دو اصل مهم را سرسلسله سایر مکنونات خود قرار داده‌ام: ۱- اجرای عملی احکام شرع مبین اسلام ۲- تهیه رفاه حال عموم» (قاضی، ۱۳۷۲: ۲۵).

نگاهی گذرا به ایده‌ها و اقدامات پهلوی اول پس از تحکیم قدرتش گویای چالش‌های جدی او با برخی نمادهای مذهبی می‌باشد؛ احیای استبداد ایرانی، به معنی ترکیب قدرت مطلق و خودکامه، البته با تفاوت‌هایی نسبت به دوره‌های قبل، در دوره رضاشاه و در حکومت وی تجلی یافت (حسام، ۱۳۸۲: ۴۴). البته وی به تسلط چندین‌قرنی حکومت ایلاتی - ملوک‌الطوایفی خاتمه بخشید و تحولات بنیادی در ساختار اقتصادی، نظام آموزشی، اداری و نظامی ایجاد کرد که موجب شد شکل و محتوای زندگی جامعه و روابط اجتماعی در ایران دگرگون گردد. شاه جدید تصور کرد که با تغییر پوشش می‌تواند گامی اساسی در راه تجددگرایی مردم ایران بردارد و با همین هدف به موازات برخی اقدامات دیگر نظیر تأسیس نهادها و مراکز نوین و مقابله با سنت-ها، دستور داد که تغییراتی نیز در پوشش مردم صورت گیرد. با وجود این در حوزه حقوق اجتماعی جامعه در قبال حکومت تحولی ایجاد نکرد و به اصطلاح در اقدامات نوگرایانه خود در این بخش از غرب و الگوی دموکراسی آنان استفاده‌ای نکرد؛ در واقع چون تحولی در مبانی اندیشه پدید نیامد پس انتظار تحول رابطه حکومت و نیروهای اجتماعی انتظار بی‌موردی است (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۵۶).

محدودیت وظایف اجتماعی روحانیون و کاهش درآمد کسبه و اصناف

برخی برنامه‌ها و اقدامات نوگرایی پهلوی اول علاوه بر باورهای دینی روحانیون و بازاریان، جایگاه اجتماعی و مالی آنان را نیز دچار چالش نمود. با اعمال محدودیت در بهره‌گیری از منابع،

مساجد، لباس روحانیت، موقوفات و برگزاری شعائر مذهبی و تغییر در نظام آموزشی، قضایی و کاهش تعداد نمایندگان روحانی در مجلس تضعیف جایگاه روحانیت مدنظر بود و با ایجاد انحصارات و کارخانجات دولتی، موجبات نارضایتی جامعه صنفی و تجاری قدیم فراهم گردید و لغو مالیات‌های صنفی، قدرت و جمع مالیات را از بزرگان اصناف گرفت (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۱۸۸ و ۱۸۹).

بازاریان^(۷) از لایه‌های اجتماعی قدیمی ایران محسوب می‌شوند، آنها که در دوران معاصر از اتحاد سازمانی و تاریخی با روحانیت شیعه برخوردار بودند، نارضایتی خود را از تحمیل ساختار زندگی مدرن، هزینه سنگین لباس‌های جدید، فرستادن فرزندان به مدرسه و تحصیل اجباری که موجب کاهش کمک فرزندان اصناف به پدرانشان می‌شد (آپتون، ۱۳۸۰: ۱۱۰ و ۱۱۱)، را به رهبران مذهبی خود منتقل نموده و از آنان طلب کمک می‌کردند.

در تابستان ۱۳۰۶ وقتی دولت تصمیم به رواج کلاه پهلوی گرفت، علما به قم رفتند و بازارها تعطیل شد. همچنین تصویب قانون نظام‌وظیفه موجب شد تا اصناف به رهبری علما تحصن کرده و با تعطیلی بازار، در مقابل مجلس تجمع نمایند. اصناف باغمیسه تبریز این قانون را خلاف اصول دین اسلام دانستند و خواستار لغو آن شدند (اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸: کارتن ۱۶، دوسیه ۴۸۹، ش بازیابی ۱۶۰۲۶). البته بازاریان از استقرار نظم و رشد اقتصادی استقبال می‌کردند اما از مداخله بیش‌ازحد دولت در فعالیت‌های تجاری ابراز تنفر داشتند. سرکوب بازاریان توسط دولت، پیشرفت‌های جدید شهری و یکپارچگی فیزیکی بازار را تضعیف کرد و انحراف از قوانین اسلامی را که از نتایج حاصل از فرآیند غرب‌گرایی بود، باعث شد (Ashraf, 1990: 38). تصویب قانون اجباری شدن لباس متحدالشکل در ششم دی‌ماه ۱۳۰۷ در مجلس شورای ملی، خشم علما و پیروان آنها را برانگیخت و زمینه‌ساز واقعه مسجد گوهرشاد شد. این قانون همچنین موجب شد تا بسیاری از مشاغل که مرتبط با تولید پوشاک داخلی بود، تعطیل شود. در موردی مشابه که در سال ۱۳۰۵ حجم عظیمی از کالاها از شوروی وارد شده بود، سران اصناف در برخی مناطق درصدد مقابله با این بحران برآمدند. آنان در قالب تشکلهایی از قبیل «نهضت اقتصاد خراسانی»، «نهضت اقتصاد رشت» و موارد دیگر به روحانیون که متحد سنتی آنها در این زمینه بودند روی آوردند؛ چنان‌که در یکی از جلسات «اتحادیه اصناف اصفهان» اطلاعیه‌ای تحت عنوان «وطن در خطر است» در مورد مضرات ورود امتعه خارجی، در ۲۲ آذرماه ۱۳۰۵ صادر گردید،

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)..... ۱۵۳

آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی، با صدور بیانیه‌ای تحت عنوان «اسلام در خطر است» عموم را به حمایت از آنان فراخواند و درخواست نمود: «امتعه داخله رواج و احتیاجات از خارجه بالمره مقطوع و ثروت مملکت زیاد و شوکت و اقتدار و عزت اسلام و مسلمین فوق‌العاده بشود و توازن صادرات و واردات ایران کاملاً بشود...» (اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف، ۱۳۸۰: سند شماره ۳۹، ۳۹/۱، ۳۹/۲ و ۴۰: ۱۵۸-۱۶۳).

شغل کرباس‌بافی که در برخی شهرهای خراسان همچون قائن، گناباد و بیرجند، منبع درآمد جمع قابل توجهی از زنان و مردان بود با ورود لباس و پارچه‌های خارجی، رونق خود را از دست داد و حتی بعدها به کلی این شغل کنار گذاشته شد (تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸: سند شماره ۶۴ و ۱۹۰ - ۱۹۲، ص ۱۶۷ - ۳۸۴ - ۳۸۶). پهلوی اول گمان می‌کرد هرچه ماشین بیشتری به کشور وارد و کارخانه بیشتری تأسیس شود، مردم به همان نسبت، خوشبخت‌تر می‌شوند (بلوشر، ۱۳۶۳: ۲۱۷)؛ ولی ایجاد انحصارات و کارخانجات دولتی، موجبات نارضایتی جامعه صنفی و تجاری قدیم را فراهم کرد؛ لغو مالیات‌های صنفی، قدرت جمع مالیات را از بزرگان اصناف گرفت و برای از بین بردن نظارت استادکاران بر زیردستان اجرا شد (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۱۸۸ و ۱۸۹). سیاست‌های اقتصادی رضاشاه بر مبنای توسعه تجارت خارجی موجب شد تا وضعیت اصناف تغییر یابد و آنان کاملاً نسبت به آینده خود احساس خطر نمودند، در نتیجه به وضعیت موجود معترض بوده و خواهان تغییر شرایط بودند. تجار، کسبه و مغازه-داران، به استثنای فروشندگان لوازم آرایشی و لباس‌های جدید، در مقابل این برنامه واکنش منفی نشان دادند (صلاح، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

کسبه و اصناف به خاطر ایجاد محدودیت فعالیت‌های دینی مساجد و روحانیان و اینکه برنامه‌های دولتی ساختار سنتی حیات آنان را تحت تأثیر قرار داده و آنان را از لحاظ مالی در تنگنا گذاشته بود، از دولت پهلوی اول راضی نبودند اما هیچ آزادی عملی نیز نداشتند و با استمداد از علما خواهان مواجهه با این شرایط بودند، زیرا دولت به طرق مختلف فعالیت بازاریان و رؤسای اصناف را زیر نظر داشت و هرگونه فعالیت در جهت تشکیل جلسه و انجمن بدون اطلاع پلیس محلی از آنان سلب شده بود (ازغندی، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

بسترهای اجتماعی شکل‌گیری اجتماع معترضان در حرم رضوی و مسجد گوهرشاد

معمولاً از واقعه مسجد گوهرشاد به‌عنوان قیام علیه بی‌حجابی یاد می‌شود اما برخی از پژوهشگران در این موضوع تشکیک کرده‌اند، زیرا این واقعه در تیرماه ۱۳۱۴ به وقوع پیوست حال آنکه دستور کشف حجاب چند ماه بعد در ۱۷ دی ۱۳۱۴ رسماً صادر گردید (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۷). این تشکیک با مراجعه به شواهد، اسناد و مدارک موجود چندان وارد نیست زیرا از سال‌ها پیش از رسمی‌شدن کشف حجاب، تبلیغات گسترده حکومت پهلوی برای گسترش بی‌حجابی در ایران آغاز شده بود؛ با وجود این به نظر می‌رسد علمای مشهد به مجموعه این اقدامات اعتراض داشتند. مسافرت شاه به ترکیه و مشاهده جنبه‌هایی از ظواهر غربی، که آتاتورک آن را در کشورش اجرا کرده بود، او را در اجرای این قبیل اقدامات در جامعه ایرانی مصمم‌تر نمود. او پس از بازگشت از سفر ترکیه دستور داد دختران و پسران در مراسم رژه‌ها شرکت کنند و جهت تشویق دانش‌آموزان در امور پیشاهنگی، ریاست آن را به ولیعهدش واگذار کرد. برخی با استناد به این قضیه، کشف حجاب را سوغات آنکارا می‌دانند (هدایت، ۱۳۷۵: ۴۰۵). مقارن دوره ششم مجلس، پهلوی اول اقداماتی با عنوان «اصلاحات اجتماعی» شروع نمود. آغاز علنی مبارزه بین رضاشاه و روحانیون، مسئله نظام اجباری بود که اقدامی علیه روحانیون و حوزه علمیه تلقی می‌شد. در مهرماه ۱۳۰۳ قسمت دیگری از وظایف روحانیت سلب شد و سن قانونی کبیر هجده سال اعلام گردید که مغایر با حکم قرآن درباره سن شرعی بود (امینی، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۶). در جلسه چهاردهم مجلس هفتم شورای ملی مورخ ۱۴ دی‌ماه ۱۳۰۷ نیز طرح قانونی لباس متحدالشکل وارد مجلس و به تصویب رسید (مکی، ۱۳۵۷: ۲، ۲۷). یکی از مفاد اصلی قانون متحدالشکل کردن لباس، ماده مربوط به ممنوعیت استفاده از عبا و عمامه از سوی روحانیون بود و پس از آن پوشیدن لباس روحانیت به‌جز برای عده‌ای از علما ممنوع شد.

شاه ایران، امان‌الله خان پادشاه افغانستان را - که بی‌حجابی را در کشورش اعلام کرده بود- در بازگشت از اروپا به کشورش، به ایران دعوت کرد، درحالی‌که زن‌هایشان تماماً رو باز بودند (اسعد بختیاری، ۱۳۷۸: ۲۱۷). در سیزدهم فروردین ۱۳۱۴ جشنی در شیراز با حضور علی‌اصغر حکمت برگزار گردید؛ در عکس‌العمل نسبت به این واقعه، یکی از علمای شیراز به نام حسام‌الدین فال اسیری، ضمن اعتراض به این مراسم، آن را از مظاهر رواج بی‌دینی در جامعه دانست اما در اقدامی کم‌سابقه، وی مورد ضرب و شتم قرار گرفته و زندانی گردید

(کوهستانی نژاد، ۱۳۷۵: ۴۰۳). روحانیون و بازاریان این قبیل اقدامات پهلوی اول را تهاجمی به ارزش‌ها و باورهای خود می‌دانستند. او برخلاف شاهان قاجار ارتباط کمتری با صنف روحانیان و بازاریان داشت و با کاهش توان سیاسی و مالی، در پی متحول کردن حیات آنان بود (بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۳۲)؛ اما بازاریان پیوند عمیقی با روحانیت سنتی داشتند و همچون آنان، حکومت غیرمعصوم را غیرشرعی می‌دانستند. بازاریان که مانند سایر قشرهای جامعه ایران، به ویژه قشرهای سنتی، شیعه متعصب بودند از اقدامات اسلام‌ستیزانه حکومت و رواج الگوها و مظاهر غربی ناخشنود بودند. نکته مهم دیگر این بود که اعتقاد بازاریان به حلال بودن درآمدها با پرداخت خمس و زکات و غیرشرعی دانستن حکومت موجب گردید^(۸) که گاه بازار از پرداخت مالیات به دولت طفره رود، از این رو پیوند نزدیک علما و بازاریان، آنها را هرچه بیشتر به پیروی از علما و ضدیت با رژیم سوق می‌داد.

چالش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در برابر حاکمیت

انعکاس اقدامات حکومت رضاشاه در مشهد و همچنین آگاهی یافتن علمای این شهر از برخورد خشن و بی‌رحمانه عمال حکومت در شیراز و تبریز با برخی از عالمان معترض موجب گردید تا تعدادی از آنها از قبیل آیت‌الله حاج آقا حسین قمی و آیت‌الله سید یونس اردبیلی و آقا زاده فرزند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در جلساتی مشورتی شرکت نمایند. در این میان محور اساسی مذاکرات بر حول تغییر لباس بود و این‌گونه اظهار عقیده شد که دنباله تغییر لباس به برداشتن حجاب منتهی خواهد گردید و باید با شدت از آن جلوگیری نمایند (مکی، ۱۳۵۷: ۲۸۱/۶ - ۲۸۲). قدرت اجتماعی و نفوذ روحانیت که در گذشته همواره چاره‌ساز بود با سرکوب موجود و کم‌توجهی حاکمیت به این‌گونه مسائل دچار چالش شده بود؛ در نظام‌های استبدادی، به تناسب میزان قدرت و حاکمیت استبداد، هزینه اقدام و تحرک سیاسی افزایش می‌یابد و در نتیجه امکان اقدام و بسیج به همین مقدار کاهش می‌یابد، ضمن اینکه هرچند در آن زمان برخی الفاظ فرهنگی سیاسی غرب به‌وضوح در نظام اجتماعی، سیاسی و آموزشی ایران قابل مشاهده است اما سازوکار معقول و تدریجی و رقابتی حل و فصل اختلاف‌ها که مظهر فرهنگ سیاسی عقلایی می‌باشد فعلیت نیافت (سریع‌القلم، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

انتخاب مسجد گوهرشاد و حرم رضوی تنها راه حل موجود و احتمالاً کارآمد در چنین موقعیت دشوار به نظر رسید و این موضوع به معنای جلوگیری از خشونت به هر شکل ممکن بود زیرا همچون گذشته بست نشینی در مساجد و منازل علما، آخرین پناهگاه در برابر دولت بود (الگار، ۱۳۶۹: ۳۱۰). عوامل حکومت یا مدعیان در اکثر موارد بست نشینی در حرم که موضوعات شخصی بود به احترام حرم از جلب یا تعرض به اشخاص خودداری می‌ورزیدند و اشخاص متحصن گاه از حمایت‌های روحانیون و مسئولان وقت آستان قدس که به واسطه انتساب به دستگاه شریف رضوی از احترام و نفوذی خاص برخوردار بودند، بهره می‌گرفتند (کاویانیان، ۱۳۵۴: ۲۵۴). همچنین از آنجا که به سبب اعتقادات دینی، این اماکن مورد احترام مردم و حاکمان وقت بودند، حاکمان از سر رعایت باور عمومی و تأسی از آن، نه تنها جرأت بی‌اعتنایی به آن را نداشتند بلکه گاهی از سر عوام‌فریبی با آن همراه می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۴۱). در قضیه گوهرشاد، شخص شاه طرف دعوا بود، ضمن اینکه حمایت حاکمان محلی نیز نسبت به تحصن‌کنندگان دیگر وجود نداشت؛ شاه نیز در آن شرایط نیازی به تظاهر با باورهای مردم احساس نمی‌کرد بنابراین زمینه‌های امکان تحقق خواسته‌های تحصن‌کنندگان در حرم دست‌نیافتنی به نظر می‌رسید.

با وجود همه محدودیت‌ها و تهدیدها، علمای مشهد تلاش خود را ادامه دادند و با حفظ آرامش جامعه با همفکری دیگر علما در چارچوب اعتراض توأم با آرامش پیشنهاد نمودند که آیت‌الله قمی شخصاً به تهران عزیمت و با شاه ملاقات نماید (واحد، ۱۳۶۶: ۱۴۲-۱۴۳). آیت‌الله قمی قبل از عزیمت به تهران طی سخنانی اعلام کرد که اگر جلوگیری از این عمل خلاف مذهب [بی‌حجابی]، منوط به کشته شدن ده هزار نفر که در رأس آنها خودش هم باشد، قرار گیرد باهم ارزش دارد» (حاجیان، ۱۳۷۲: ۴۳). به‌منظور اثرگذاری بیشتر اقدام این مرجع مذهبی در حرکت به طرف تهران، گروه‌های مختلف به‌ویژه بازاریان و اصناف مشهد حمایت خود را از این مرجع با ارسال تلگراف به شاه اعلام کرده و درخواست نمودند که: «استدعای اصغای مطالب ایشان را که زبان حال عموم مسلمین و اهالی خراسان است، داریم» (ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۲۶۷). آیت‌الله قمی یک ماه در باغ سراج‌الملک شهری اقامت داشت، اما امکان ملاقات با شاه را نیافت، وی در پاسخ برخی روحانیون که گفتند شاه قبول نمی‌کند گفت: «من به تهران می‌روم حتی اگر لازم باشد دستش را می‌بوسم، ... و اگر نپذیرفت همان‌جا خفه‌اش کنم» (قاسم‌پور، ۱۳۸۶: ۳۹).

مسجد گوهرشاد عرصه نبرد قدرت اجتماعی علمای خراسان و نیروهای حکومتی

برطرف نشدن بحران اجتماعی منجر به افزایش خشم مردم خواهد شد و در واقع همه جنبش‌ها در یک دوران بحرانی آغاز شده سپس وارد مرحله ناآرامی می‌شوند. ناآرامی ناشی از نارضایتی عمومی مرحله برانگیختگی مردم را ایجاد می‌کند (کوهن، ۱۳۷۵: ۴). پافشاری علمای مشهد بر ادامه اعتراض در جوار حرم رضوی با وجود هشدارها و تهدیدهای حکومت، فضای متشنج موجود را به مرحله بحرانی نزدیک‌تر نمود. پس از انعکاس خبر تبعید آیت‌الله قمی روند وقایع از حالت عادی خارج شد و اعتراض مردم به اوج خود رسید. هم‌زمان با این وقایع شیخ تقی پسر نظام‌الدین مشهور به «بهلول» از شهرستان فردوس به علت انتقاد از لباس متحدالشکل و کراوات تحت تعقیب قرار گرفته و به مشهد وارد شد (ادیب هروی، ۱۳۲۷: ۲۵۹). با ورود نامبرده به حرم رضوی و یک سلسله اتفاقات، اوضاع دگرگون گردید. بهلول که توسط مأمورین در حرم دستگیر شده بود با مقاومت مردم آزاد گردید و او طی سخنانی مردم را به آرامش دعوت کرد ولی از آنان خواست مقاومت کنند (واحد، ۱۳۶۶: ۲۸۸).

از صبح روز جمعه بیستم تیرماه ۱۳۱۴ نظامیان مسجد گوهرشاد را محاصره کردند. همین موضوع موجب بحرانی شدن اوضاع و درگیری بین نظامیان و مردم گردید. از این زمان به بعد کشتار مردم آغاز گردید. علمای مشهد با وجود تبعید آیت‌الله قمی و کشتار مردم باز هم ضمن حفظ آرامش طی تلگرافی به رضاشاه و بیان اتفاقات در مسجد گوهرشاد از او خواستار توقف بی‌حجابی شد (واحد، ۱۳۶۶: ۱۴۵). رضاشاه با نارضایتی از ایرج مطبوعی فرمانده لشکر مشهد، سرتیپ البرز را به مشهد فرستاده و به او دستور داد تا سربازان وارد صحن حرم گردند و در صورت لزوم به سوی مردم تیراندازی هم نمایند (فردوست، ۱۳۶۶: ۶۹/۱-۷۰). پس از آن برخورد با مردم شدت گرفت و کشتار عظیم مردم در یکشنبه بیست و دوم تیرماه همان سال در مسجد گوهرشاد و حرم مطهر رضوی به وقوع پیوست. روایاتی وجود دارد که افراد زخمی به همراه کشته‌شدگان دفن شدند (خاطرات سیاسی سیدمحمدعلی شوشتری، ۱۳۷۹: ۸۳-۸۴). بر اساس دستور مؤکد تشکیلات کل نظمیه مملکتی به نظمیه مشهد در تاریخ شنبه ۲۱ تیر ۱۳۱۴ مقرر شده است: «هرکس را که در خارج آستانه و مسجد تا به حال تشخیص داده‌اید، در این امر مداخله دارد، آنها را هم دستگیر کنید» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ش.بازیابی ۴۲۲: ۲۲).

تعداد جمعیت تحصن‌کننده بین پانزده تا بیست هزار نفر در مسجد گوهرشاد و اطراف آن در شرایط بسیار بحرانی که جان آنها در خطر بود گویای تداوم نفوذ علما در میان مردم مشهد است. پس از فرارسیدن نیمه‌های شب و پراکنده‌نشدن مردم، تمام درها و راه‌های ورود و خروج به مسجد گوهرشاد و حرم بسته شد. در این حال، مردم با کلنگ شروع به شکستن درها و اقدام به خروج از آن کردند. در این لحظه بود که دستور شلیک و کشتار مردم صادر شد. کشتار در درون و بیرون مسجد با شدت هرچه تمام‌تر آغاز شد و صدای غرش توپ‌ها و مسلسل‌ها، آسمان مشهد و حرم رضوی را به لرزه درآورد (بهلول، ۱۳۶۹: ۱۷؛ کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۱۶۵).

نتیجه‌گیری

بست‌نشینی در اماکن مذهبی یا دیگر اماکن متعلق به بزرگان دینی یا سیاسی در ایران از پیشینه‌ای دیرینه برخوردار است. در دوره قاجاریه بست‌نشینی به علل مختلفی گسترش یافت؛ با فاصله‌گرفتن روحانیون از حکومت در این دوران، پناه‌جویی در نزد عالمان و اماکن مذهبی، تنها راهکار موجود برای نجات از ظلم و حفظ جان بود. آیین بست‌نشینی با رشد پایگاه مردمی روحانیون در دوران قاجاریه، شکل نویی یافت که در آن مردم گاه به شکل دسته‌جمعی در برابر شرایط نامطلوب خود در اعتراض به حکومت به حرم پناه می‌بردند. براساس نظریه نخبه‌گرایی پاره‌تو افراد برجسته جامعه نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند. در ایران در دو قرن اخیر عالمان و روحانیون برجسته این نقش را عمدتاً عهده‌دار و در واقع تأثیرگذارترین گروه اجتماعی در تاریخ ایران معاصر بوده‌اند. با روی کار آمدن پهلوی اول، برنامه‌ها و اقدامات گسترده‌ای با هدف تجدد و نوگرایی به اجرا درآمد. در نتیجه این اقدامات علاوه بر باورهای دینی روحانیون و بازاریان، جایگاه اجتماعی و مالی آنان را نیز دچار چالش گردید. مخالفت‌های عمدتاً فردمحور علما در سرتاسر کشور به شدت سرکوب گردید اما در مسجد گوهرشاد در جوار حرم رضوی نهضتی اجتماعی و گروهی در شکل و با شیوه دیرینه بست‌نشینی شکل گرفت.

تحصن مردم و علمای خراسان (مشهد) در مسجد گوهرشاد در واقع نهضتی اجتماعی با عقبه باورهای مذهبی بود که در فضای استبدادی بانفوذ علمای مشهد در میان مردم به‌ویژه بازاریان فراهم شد. حضور مردم در این مکان مقدس می‌توانست تنش‌ها را کاهش داده و به تعامل طرفین کمک نماید. علمای مشهد به‌ویژه آیت‌الله سیدحسین قمی با توجه به داشتن صبغه علمی و منزلت

روحانی خود از آغاز این جنبش با پرهیز کامل از هرگونه ناآرامی یا درگیری تلاش نمود تا درخواست‌های خود را در فضایی به دور از تنش به حاکمیت منتقل نماید. به دستور شاه، مردم حاضر در مسجد گوهرشاد و حرم مطهر امام رضا (ع) با خشونت و بی‌رحمی سرکوب و افرادی قتل‌عام شدند. سرانجام با وجود نهایت سعی و اهتمام برخی از علما و بزرگان مشهد در مدیریت توأم با آرامش این حرکت سیاسی و فرهنگی و انتخاب مسیر گفت‌وگو و مذاکره با دولت و نمایندگانش پاسخ‌نهایی که دریافت نمودند کشتار، سرکوب و زندان بود.

پی‌نوشت‌ها

۱- اهمیت و ضرورت اجرای عدالت مورد تأکید قرآن مجید و سنت است، ازجمله روایت‌شده چنانچه حاکم عادل باشد، بر مردم لازم است برایش دعا کنند و حق او را ادا نمایند، اما اگر ظالم باشد، باید در اصلاح او بکوشند (مجلسی، ۱۳۶۲: ۴۴۴/۷۵ و ۳۸).

۲- «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانْ آمِنًا» و هر که وارد آن شود در امان است» (قرآن مجید، آل‌عمران، ۹۷).

۳- بست‌نشینی گاهی بهانه‌ای برای فرار از مجازات بود که در این صورت - چنانچه در حرم رضوی بود- با دخالت مسئولان آستان قدس موضوع فیصله می‌یافت و از فرد مجرم بازجویی به عمل می‌آمد (عطاردی، ۱۳۷۱: ۲۸۵-۲۸۳).

۴- مساحت کل مسجد ۹۴۱۰ مترمربع و طول آن ۵۶/۳۰ متر و عرض آن ۵۱/۶۵ متر می‌باشد؛ این مسجد، دارای چهار ایوان، هفت شبستان، یک گنبد و دو گلدسته است. ایوان شمالی، از راه دارالسیاده به حرم مطهر رضوی متصل است، ایوان شرقی و غربی که قرینه یکدیگر هستند (عالم‌زاده، ۱۳۹۱: ۶).

۵- مزار امام رضا (ع) از دیرباز مورد احترام همه مسلمانان اعم از شیعیان و اهل سنت بوده است، چنان‌که ابن‌حاتم تمیمی (م ۳۵۴) می‌گوید: «من بارها او را زیارت کردم و در زمان اقامتم در طوس هرگاه مشکلی برایم پیش آمد به زیارت ابوالحسن می‌رفتم و خدای را می‌خواندم» (مرعشی النجفی، ۱۴۱۵ ق: ۵۹۴)؛ همچنین ملک شاه سلجوقی (قرن ششم هجری) از سلاطین سنی‌مذهب، برای سرکوب شورش برادرش در خراسان در بین راه به زیارت مشهد الرضا رفت و در مسجد بالاسر حضرت نماز خواند و دعا کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۲ ق: ۱۰ / ۲۱۱).

- ۶- در خصوص علل افزایش نفوذ عالمان شیعه، موارد مختلفی مطرح شده است، از جمله: اعتقاد به غیبت امام زمان (عج) و اصل نیابت عامه فقها، دریافت وجوهات شرعی مردم، پاسداری از شریعت اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، عهده‌داری محاکم شرعی و قضاوت، اداره اراضی و تنظیم اسناد ملکی، ازدواج و طلاق، سرپرستی موقوفات، بقاع متبرکه، اماکن زیارتی و مساجد، در اختیار داشتن منبر و ارشاد مذهبی (خطابه و سخنرانی)، استفاده از حق فتوا و مرجعیت در مواقع حساس و ضروری، و بهره‌گیری از حربه تکفیر بر ضد مخالفان و موارد دیگر (نک: سانسون، ۱۳۷۸: ۴۳-۳۷؛ شاردن، ۱۳۷۴: ۱۳۴۴/۴-۱۳۳۴؛ الگار، ۱۳۶۹: ۴۷-۱۸؛ کدی، ۱۳۶۹: ۴۷-۳۹).
- ۷- ساختار پیچیده اصناف به بازاریان اجازه می‌داد که اصناف را مستقل از دولت نگاه دارند و این در حالی بود که سندیکاها و اتحادیه‌های حرفه‌ای تحت نظر و کنترل کامل دولت قرار داشتند (فلور، ۱۳۶۵: ۱۱۱).
- ۸- البته از آنجا که دوره پهلوی اول، دوره فشرده‌گی نیروهای اجتماعی بود، گاه اصناف نیز ناچاراً به همکاری پرداختند (فوران، ۱۳۸۸: ۳۷۳ و ۳۷۴).

کتابنامه

الف) اسناد

- اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجار و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ ه‍.ش)، تهیه و تنظیم معاونت خدمات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، به کوشش رضا مختاری اصفهانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، زیر نظر جمعی از نویسندگان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
- جعفری، مرتضی، واقعه کشف حجاب اسناد منتشر نشده از واقعه کشف حجاب در عصر رضاخان، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده وقایع مسجد گوهرشاد

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)..... ۱۶۱

ب) کتاب

قرآن مجید.

آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۸۸.

آبراهامیان، یرواند، تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۸۹.

آپتون، جوزف، تحلیلی بر تاریخ معاصر ایران، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران: سرا، ۱۳۸۰.

آجدانی، ل. روشنفکران ایران در عصر مشروطیت، چ اول، تهران: اختران، ۱۳۸۶.

آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران: پیام، ۲۵۳۵.

ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۴۰۲ ق.

ادیب هروی، محمدحسن، حدیقه الرضویة، طبع اول، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان، ۱۳۲۷.

ازغندی، علیرضا، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس، ۱۳۸۵.

اسعد بختیاری، جعفرقلی خان، خاطرات، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۸.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.

الگار، حامد، دین و دولت در ایران نقش علما در دوره قاجاریه، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس، ۱۳۶۹.

امیرطهماسب، عبدالله، تاریخ شاهنشاهی اعلی حضرت رضاشاه کبیر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

بروجردی، مهرزاد، تراشیدم، پرستیدم، شکستم، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۹.

اورسل، ارنست، سفرنامه، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۵۳.

بلوشر، فون، سفرنامه، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.

بهلول، محمدتقی، خاطرات سیاسی بهلول، ترجمه علی اصغر کیمیایی، مشهد: مؤسسه حضرت صاحب‌الزمان (عج)، ۱۳۶۹، چ ۲.

پروکوپوس، جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.

پولاک، یاکوب‌ادوارد، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱.

تلگرافات، مجله یاد، ش ۸۴، تابستان ۱۳۸۶.

۱۶۲ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تهرانی (میرخانی)، سیدمصطفی (۱۳۸۵). **سفرنامه گوهر مقصود**، به کوشش زهرا میرخانی، تهران: چشمه، ۱۳۸۵.

جعفریان، رسول، **صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست**، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
حاجیان، دشتی عباس، **عنصر فضیلت و تقوا حضرت آیت‌اله العظمی قمی**، بی‌جا: مفید، ۱۳۷۲.
حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله، **زبدۃ التواریخ**، مقدمه و تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

حسام، فرحناز، **دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

خاطرات سیاسی سیدمحمدعلی شوشتری، به اهتمام غلامحسین میرزاصالح، تهران: کویر، ۱۳۷۹.
دلواله، پیترو، **سفرنامه پیترو دلواله**، ج ۱ (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۴۸.

الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، **تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام**، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ط الثانية، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۹۳ م.
رضوانی، هما، **لوايح شيخ فضل الله نوري**، تهران: تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
روشه، گئی، **تغییرات اجتماعی**، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی، ۱۳۸۰، چ ۱۱.
زاهدانی، سید زاهد، **جنبش‌های سیاسی معاصر**، قم: طه، ۱۳۸۹.

زرگری‌نژاد، غلامحسین، **رسایل مشروطیت، مشروطه به روایت موافقان و مخالفان**، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.

سارامان، شارل و همکاران، **روش‌های پژوهش در تاریخ**، ترجمه ابوالقاسم بیگناه، غلامرضا ذات‌علیان و اقدس یغمایی، چ ۲، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.

سانسون، نیکلاس، **سفرنامه سانسون**، ترجمه تقی تفضلی، تهران: ابن سینا، ۱۳۷۸.
سپهر، عبدالحسین‌خان، **مرآةالوقایع مظفری و یادداشت‌های ملک‌المورخین**، تصحیح، توضیح و مقدمه عبدالحسین نوایی، تهران: زرین، ۱۳۶۸.

سجادی، صادق، «آستان قدس»، **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.

سربع‌القلم، محمود، **فرهنگ سیاسی ایران**، تهران: فروزان روز، ۱۳۸۹.

نقش نفوذ اجتماعی علمای خراسان در واقعه مسجد گوهرشاد (با تکیه بر نظریه نخبگان پاره تو)..... ۱۶۳

- شاردن، ژان، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس، ۱۳۷۴.
- صدر، محسن (صدرالاشراف)، *خاطرات صدرالاشراف*، بی‌جا: وحید، ۱۳۶۴.
- صلاح، مهدی، *کشف حجاب*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸.
- طباطبایی، سیدجواد، *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: کویر، ۱۳۷۳.
- عضدالدوله، احمدمیرزا، *تاریخ عضدی*، تهران: مؤسسه سرو، ۱۳۶۲.
- عطاردی، عزیزالله، *تاریخ آستان قدس*، تهران: عطارد، ۱۳۷۱.
- عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.
- عمید، حسن، *فرهنگ عمیده*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران: کیهان، ۱۳۵۲.
- فلور، ویلم، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجاریه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: طوس، ۱۳۶۵.
- فوران، جان، *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۸.
- قاسم‌پور، داوود، *قیام مسجد گوهرشاد به روایت اسناد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- قاضی، نعمت‌اله، *علل سقوط حکومت رضاشاه*، تهران: نشر آثار، ۱۳۷۲.
- کاتوزیان (تهرانی)، محمدعلی، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۸.
- کار، ای. اچ.، *تاریخ چیست*، ترجمه حسن کامشاد، چ ۲، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱.
- کاویانیان، محمداحتشام، *شمس الشموس*، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۵۴.
- کدی، نیکی آر، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۶۹.
- کریستن‌سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- کوزر، لوئیس آلفرد، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی، ۱۳۷۳.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، *واقعه خراسان*، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- کوهن، بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، ۱۳۷۵.

- کیت، نش، **جامعه‌شناسی سایر عناصر**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: کویر، ۱۳۸۰.
- لمبتن، آن، **تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نی، ۱۳۷۲.
- لیک، دیوید و ای مورگان، **پاتریک ام، نظم‌های منطقه‌ای «امنیت سازی در جهان نوین»**، ترجمه سیدجلال دهقانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
- مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.
- محیط طباطبایی، محمد، **تطور حکومت در ایران بعد از اسلام**، تهران: بعثت، ۱۳۶۷.
- مرعشی‌النجفی، شهاب‌الدین، **ملحقات الاحقاق**، قم: مکتبه‌الآیه الله المرعشی، ۱۴۱۵ ق.
- مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، **مروج الذهب و معادن الجوهر**، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ م، چ ۲.
- مکی، حسین، **تاریخ بیست ساله ایران**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ملک‌زاده، مهدی، **تاریخ انقلاب مشروطه ایران**، تهران: علمی، ۱۳۷۳.
- میرزا سمیع، **تذکره الملوک**، چاپ دبیرسیاقی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- نجفی، موسی، **تاریخ تحولات سیاسی ایران، بررسی مؤلفه‌های دین - مدنیت و تکوین دولت - ملت در گستره هویت ملی ایران**، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱، چ ۲.
- واحد، سینا، **قیام گوهرشاد**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶، چ ۴.
- هدایت، حاج‌مهدی قلی (مخبرالسلطنه)، **خاطرات و خطرات**، تهران: زوار، ۱۳۷۵، چ ۵.

Ashraf, Ahmad, Bazar: Socioeconomic and political role, **Encyclopedia of Iranica**, vol IV, edited by Ehsan Yarshater, London & New York.

Stearns, Peter N, "Social History", **Encyclopedia of Social History**, Edited by Peter N. Stearns, New York: Routledge, 1993.

Toch, H, **The Social Psychology of Social Movements**, London: Methuen, 1966.

Wilson, J, **Introduction to Social Movements**, N.Y: Basic Books, 1973.